

دو پاشنه آشیل صندوق‌های سپرده کالایی

– «دنیای اقتصاد» بررسی کرد

به نقل از روزنامه دنیای اقتصاد: فرارسیدن روزهای گرم سال خود سیگنالی است از افزایش حجم تولید محصولات کشاورزی و هم اکنون که آرام آرام به اواخر تابستان نزدیک می‌شویم، زمان برداشت محصول فرارسیده و حتی روزهای پایانی خود را سپری می‌کند. این بازه زمانی که با ورود عرضه‌های گسترده محصول به بازار همراه است شاید بهترین زمان ممکن برای ایجاد صندوق‌های سپرده کالایی برای محصولات استراتژیک کشاورزی باشد. هم اکنون که مکانیزم قیمت تضمینی در بورس کالا اجرایی شده و همچنین تجربه ایجاد و تامین مالی صندوق‌های کالایی نیز در بدنه این بازار مالی وجود دارد، می‌توان ادعا کرد همه چیز برای راه‌اندازی صندوق‌های کالایی استراتژیک فراهم شده و زمان آن فرارسیده تا الزامات قانونی تشکیل این صندوق‌ها به صورت دستورالعمل‌های اجرایی و آغاز به کار صندوق‌های سپرده کالایی در بورس کالای ایران خودنمایی کند. تعلل در ایجاد این قبیل ذخایر کالایی قطعاً به نفع بدنه اقتصادی کشور تمام نخواهد شد.

الزامات قانونی کاهش التهاب در بازار کالاهای اساسی کشاورزی و تامین ذخایر محصولات استراتژیک از جایگاه مهمی در قوانین بالادستی کشور برخوردار است و همین الزامات قانونی را می‌توان مهم‌ترین بستر برای ایجاد و توسعه صندوق‌های کالایی به شمار آورد. بررسی‌های «دنیای اقتصاد» نشان می‌دهد بهترین و ساده‌ترین راه برای کاهش تکانه‌های عرضه محصولات کشاورزی و تنظیم بازار استفاده از صندوق‌های سپرده کالایی است که این مهم در روح برخی از قوانین بالادستی همچون بند الف ماده ۳۲ برنامه ششم توسعه مستتر است. در این بند قانونی آمده است: به منظور کاهش التهابات بازار کالاهای اساسی کشاورزی و کاهش نوسان غیرعادی فصلی محصولات کشاورزی و به منظور کاهش بار مالی دولت برای تامین نقدینگی در گردش و هزینه تبعی مورد استفاده در سیاست‌های تنظیم بازار و تامین ذخایر محصولات راهبردی (استراتژیک)، شرکت بازرگانی دولتی ایران یا هریک از شرکت‌های دولتی مسوول تنظیم بازار هر محصول به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی، حسب مورد، براساس برآوردهای ماهانه، فصلی و سالانه عرضه داخلی و تقاضای هر یک از محصولات، نسبت به اتخاذ موقعیت مناسب خرید یا فروش در قراردادهای سلف و ابزارهای مالی موضوع بند (۲۴) ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱/۹/۱۳۸۴ روی هر یک از دارایی‌های مشمول صدر این بند در چارچوب مقررات بازار سرمایه اقدام می‌کنند.

در بند ۲۴ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، اوراق بهادار این گونه تعریف شده است: هر نوع ورقه یا مستندی که متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین یا منفعت آن باشد. شورا (شورای عالی بورس و اوراق بهادار)، اوراق بهادار قابل معامله را تعیین و اعلام خواهد کرد. مفهوم ابزار مالی و اوراق بهادار در متن این قانون، معادل هم در نظر گرفته شده است. با توجه به این موارد می‌توان نسبت به اتخاذ موقعیت مناسب خرید یا فروش در قراردادهای سلف، سلف موازی استاندارد، پیمان آتی، قراردادهای آتی یا قراردادهای اختیار معامله روی هر یک از دارایی‌های مشمول صدر این ماده قانونی در چارچوب مقررات بازار سرمایه اقدام کرد. بندهای قانونی فوق همه چیز را در خصوص اجرایی شدن صندوق‌های سپرده کالایی

فراهم آورده و تنها عزم جدی تصمیم‌سازان اقتصاد و بدنه مدیریت قوه مجریه را می‌طلبد تا این الزام قانونی را به فاز اجرایی آن وارد سازند. صندوق‌های سپرده کالایی با محوریت محصولات استراتژیک بحثی است که بارها در «دنیای اقتصاد» به آن پرداخته‌ایم و با توجه به الزامات قانونی، هنوز وارد فاز اجرایی نشده است. این در حالی است که ایجاد اولین صندوق کالایی برای طلا در ماه‌های گذشته تحقق یافت، ولی هنوز تا اهداف این بحث یعنی ایجاد صندوقی امن برای ذخیره‌سازی کالاها به منظور کاهش تکانه‌های شوک تقاضا و مدیریت قدرتمندانه وضعیت بازار و قیمت‌های پیشنهادی فاصله‌ای بسیار داریم.

تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد افزایش حجم تولید محصولات کشاورزی و عرضه بیش از تقاضا مخصوصاً در کالاهای استراتژیک همچون غلات به یک اصل اقتصادی و امنیتی بدل شده تا جایی که کشورهایی همچون کانادا، چین، آمریکا، آلمان و فرانسه و اغلب کشورهای مهم در جهان هدف‌گذاری تولیدات غله خود را بیش از مصرف تعیین کرده‌اند تا ذاتاً امنیتی درونی در بازار محصولات کشاورزی آنها حاکم شود. این نکته مهم را می‌توان هدف‌گذاری غالب در بازار محصولات کشاورزی به شمار آورد، ولی تا دست یافتن به این حجم از تولید، باید با دقت بیشتری به وضعیت تولید و مدیریت عرضه و تقاضای آن توجه نشان داد. به‌صورت دقیق‌تر ذات اصلاح بازار محصولات کشاورزی را باید در ابتدا از وضعیت تولید مورد بررسی قرار داد؛ یعنی با فرض استفاده بهینه از ابزارهای اصلی تولید در بخش کشاورزی یعنی زمین و آب باید مهم‌ترین بخش از مدیریت تولید را از این نقطه آغاز کرد.

هم‌اکنون زمین کشاورزی به‌صورت نسبتاً مطلوبی در سطح کشور پراکنده شده ولی با عقب‌نشینی نسبی منابع آبی در دسترس در سال‌های اخیر، جذابیت زمین‌های حاصلخیز در فرآیند تولید محصولات کشاورزی کاهش یافته و برتری اهمیت منابع آبی دوچندان شده است. به عبارت دقیق‌تر برای مدیریت واقعی بخش کشاورزی باید به مدیریت منابع آبی روی آورد که توجه به آبخیزداری و آبخوان‌داری و تداوم تلاش برای استفاده حداکثری از ذخایر آبی و بارش‌های فعلی باید در دستورکار اکید قرار گیرد. اگرچه بارها از کاهش سطح آب زیرزمینی در حوزه‌های مختلف انتقاد شده ولی به نظر می‌رسد حجم توجه به آبخیزداری و آبخوان‌داری به‌عنوان بسترهایی مهم برای تغذیه ذخایر آب زیرزمینی با حجم نگرانی‌ها و انتقادات در این حوزه همخوانی ندارد. پس از این فاز توجه به مدیریت منابع آبی و مخصوصاً کاهش اتلاف آب در مسیر انتقال و کشت محصولات مختلف را باید مورد توجه و ارزیابی قرار داد. این موارد یعنی توجه به ساز و کارهای اجرایی در حوزه آب در شرایطی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که زمینه‌ها برای ایجاد بورس آب نیز فراهم شده و در صورت آغاز به کار قدرتمندانه این بازار پتانسیل بزرگی برای تامین مالی و رقابتی شدن قیمت‌ها و همچنین شفافیت در خصوص واقعیت‌های عرضه، انتقال و تقاضای آب در بخش‌های مختلف کشاورزی و صنعتی و مخصوصاً ایجاد بستری برای تامین مالی صنعت آب فراهم خواهد شد.

پس از بررسی اجمالی بحث آب و پتانسیل مدیریت این منبع در بازار آب بورس انرژی باید باز هم به اهمیت تشکیل صندوق‌های سپرده کالایی پرداخت که در شرایط روز کشور بحث تامین مالی آن، خود فرآیندی گسترده به شمار می‌آید. از سوی دیگر ذات تشکیل این قبیل صندوق‌ها با فرض دولتی بودن آن، فاصله داشتن از منافع مالی است یعنی این قبیل صندوق‌ها در صورت فعالیت به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از دولت فعالیت انتفاعی نخواهد داشت یا زیان‌های حاصله از آن موجب می‌شود که درآمدزایی احتمالی نیز تحت‌الشعاع قرار بگیرد. هرچند چنین ادعایی در بدو تشکیل این قبیل صندوق‌ها شاید منفی‌نگری باشد ولی تجربه

سال‌های اخیر در حوزه تجارت و توزیع کالا در بدنه سیستم‌های دولتی این ذهنیت را ایجاد می‌کند که باید در ذات درآمدزایی واحدهای دولتی مخصوصا در شرایطی که هدف تنظیم بازار است نه کسب منافع مالی تردید کرد.

دو مطلب فوق یعنی تامین مالی اولیه صندوق‌های سپرده کالایی و درآمدزایی آن را باید به‌عنوان دو پاشنه آشیل ایجاد صندوق‌های سپرده کالایی به شمار آورد، ولی تجربه نشان داده که هر دوی این موارد به سادگی از قابلیت اجرایی شدن برخوردار است یعنی می‌توان این دو مشکل را مرتفع کرد. درخصوص تامین منابع مالی اولیه؛ هم‌اکنون این ساز و کار در بورس کالا وجود دارد یعنی می‌توان از بورس کالا تامین مالی کرده و بخشی از ارزش صندوق سپرده کالایی را در اختیار گرفته و در آینده مورد معامله قرار داد. هم‌اکنون این تجربه درخصوص صندوق سپرده طلا در بورس کالا وجود دارد و البته با توجه به جذابیت‌های بالای معاملات طلا در دوره‌های مختلف زمانی، تامین مالی ساده‌تری به همراه داشت. درخصوص صندوق‌های سپرده کالایی محصولات کشاورزی وضعیت دشوارتری حکمفرماست زیرا انتظار برای منافع مالی در آینده برای این قبیل صندوق‌ها کمتر خودنمایی می‌کند.

این در حالی است که جذابیت ایجاد این قبیل صندوق‌ها از طرف بخش خصوصی با مدیریت بورس کالا نیز به حدی بالاست که نمی‌توان اثرات مثبت آن را ناپدید گرفت مخصوصا زمانی که الزام قانونی هم در این خصوص وجود دارد. اعطای تضمین برای امنیت سپرده‌گذاری اولیه توسط بخش‌های دولتی همچون تضمین توسط صندوق مادر تخصصی حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، اعطای مجوز واردات در صورت نیاز به این قبیل صندوق‌ها، پتانسیل بازارگردانی و پرداخت وجه باقی مانده در چارچوب قیمت تضمینی در بورس کالا با سرعت عمل بیشتر یا حتی ایجاد بستری برای جذب سرمایه‌گذاری‌های گسترده در بخش کشاورزی درون بازار سرمایه مواردی است که می‌تواند در این چارچوب موثر واقع شود.

نکته دیگری که در این خصوص خودنمایی خواهد کرد ایجاد صندوق‌های کالایی در نقاط مختلفی از کشور است زیرا پراکندگی انبارها در مناطق مختلف نشان می‌دهد که در حوزه‌هایی که از تولید بیشتر در بخش کشاورزی برخوردار هستند، تراکم انبارهای این گروه‌های کالایی افزایش می‌یابد که این وضعیت با پیش فرض تفاوت در بدنه بخش مصرف و تنوع تقاضا در سایر مناطق و استان‌ها، ایجاد این قبیل صندوق‌ها را در اقصی نقاط ایران توجیه‌پذیر نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال درخصوص جو و ذرت دامی ایجاد صندوق‌های سپرده کالایی در مناطقی که تمرکز مصرف بیشتری وجود دارد توجیه بیشتری خواهد داشت که از درآمدزایی بیشتر نیز برخوردار خواهد شد. به‌صورت دقیق‌تر در فصل برداشت غالبا با عرضه گسترده محصولات کشاورزی مخصوصا خوراک دام رو به روهستیم که به کاهش قیمت‌ها منجر می‌شود ولی به مرور زمان با کاهش حجم عرضه و افزایش تقاضا، رشد قیمت‌ها خودنمایی می‌کند بنابراین پتانسیل ایجاد این قبیل صندوق‌های کالایی حتی با رویکرد انتفاعی نیز وجود دارد.

با توجه به موارد فوق و در صورت حمایت بدنه تصمیم‌سازی دولت، پتانسیل ایجاد صندوق‌های کالایی فراهم خواهد بود و می‌توان کاربرد انتفاعی برای آن در نظر گرفت و همچنین تامین مالی اولیه آن نیز از بستر بازار سرمایه و مخصوصا بورس‌های کالایی میسر است. این در حالی است که در گزارش‌های پیشین بارها درخصوص ضرورت و پتانسیل‌های ایجاد صندوق‌های کالایی برای محصولات استراتژیک سخن گفتیم و به نظر می‌رسد پیگیری‌های رسانه‌ای بتواند در مسیر تحقق این هدف همراه بدنه تصمیم‌سازی دولت باشد. حال که قیمت تضمینی برای ذرت و جو در بورس کالای ایران در حال انجام بوده و معاملات گندم نیز

در این چارچوب مدتی است که پا گرفته، می توان گفت که همه چیز برای ایجاد این قبیل صندوق های کالایی فراهم است و باید با عزمی جدی دست یافتن به این مهم را پیگیری کرد.

تعیین تکلیف بازار پشت سه میز

– نهادهای اثرگذار بر روند فعالیت صنعت و بازار پتروشیمی با چه مکانیزمی فعالیت می کنند؟

به نقل از روزنامه دنیای اقتصاد : فلسفه ورود شورای رقابت به داستان فروش و توزیع محصولات پتروشیمی از جایی شروع شد که محمدرضا نعمت زاده، وزیر صنعت دولت یازدهم عرضه محصولات در بورس کالای ایران را ضروری نمی دانست و بر این باور بود که فروش محصولات و توزیع محصولات پتروشیمی از تالار نقره ای الزامی ندارد. با تغییر فرمول قیمت گذاری محصولات پتروشیمی از ارز مبادله ای به ارز آزاد با پیش فرض عرضه صد درصدی این گروه کالایی در بورس کالا شاهد بودیم که تقاضای هیجانی و کم نظیر قبل از تیر ماه سال ۹۴ به شرایطی آرام تر رسید. هر چند که در برخی گریدهای بسیار جذاب یا در زمان های وقفه عرضه ها به دلایل فنی باز هم این التهاب به بازار باز می گشت.

پس از این اما و اگرها و کاهش نسبی تولید در بازار داخلی برای صنایع پایین دستی که شاید افزایش قیمت مواد اولیه در کنار رکود یکی از این دلایل بود و البته ذات انحصاری بودن برخی از محصولات پتروشیمی با چند تولیدکننده محدود را نیز شاهد بودیم که شورای رقابت توجه بیشتری به این بازار معطوف داشت. در این میان نظر بسیاری از کارشناسان، نهادهای دست اندر کار و فعالان پایین دستی به عرضه محصولات از بورس کالای ایران مثبت بود. آنها بر این عقیده و باور بودند که تا آن زمان هیچ گونه ابزار نظارتی، رصدکننده و پایش گری نداشتیم و هیچ گونه آمار و اطلاعاتی در خصوص خرید، فروش و حجم معاملات وجود نداشت. علاوه بر این آنها اظهار می کردند که عرضه محصولات در تالار نقره ای و آمارها و اطلاعات بورس کالا، این فرصت را به وجود می آورد که متوجه شویم به طور مثال چه زمانی مصرف کننده کدام محصول آسیب می بیند و در چه زمانی باید برای توسعه ظرفیت های کدام محصول فکر کنیم. هر چند آمارهای رسمی واقعیت های مهمی از اوضاع این بازار را نشان می داد ولی اعداد کشف شده در تقابل واقعی عرضه و تقاضا وضعیت این بازار را با شفافیت کم نظیری نشان می داد؛ هرچند که هنوز هم در خصوص حجم عرضه های برخی محصولات پتروشیمی که به کالاهای جذاب معروف شده اند، اما و اگرهایی وجود داشته و دارد. این در حالی است که پس از آزادسازی قیمت ها در بورس کالا برخی تلاش ها برای خروج محصولات پتروشیمی آغاز شد که با مقاومت گسترده رسانه ای و حمایت های برخی تصمیم سازان اقتصاد ایران، این تلاش ها نهایتا ناکام ماند.

به این ترتیب کشمکشی میان بلندپایه ترین مقامات صنعت و سازوکارهای قانونی که الزام وجود بورس کالای ایران را ضروری می دانستند شکل گرفت و حال باید مجموعه مسوول با حاکمیت قانونی به این بازی ورود پیدا می کرد و برای ساماندهی به اوضاع دست به اقداماتی می زد. البته این در حالی است که باید نهاد رگولاتوری در صنعت پتروشیمی وجود داشت که وظیفه این کار را بر عهده می گرفت اما به دلیل نبود این نهاد این مسوولیت بر دوش شورای رقابت افتاد و به بیانی شورای رقابت به عنوان یک قانون گذار و مقررات گذار وارد این جریان شد و کار را دنبال کرد. سه لایه تصمیم ساز، تصمیم گیر و قانون گذار (ابلاغ کننده تصمیم) بازیگران اصلی این داستان هستند. لایه اول که لایه تصمیم ساز است گروهی است که شامل ذی نفعان اعم از نخبگان، تولیدکننده ها، رسانه ها و... هستند که نظرات خود را از طریق مقالات، نشست ها و گاه در قالب جلسات تفکر و بحث و جدل ها به سمع و نظر گروه قانون گذار می رسانند و به عبارتی تحلیلهایی را ارائه می دهند و این امر سبب می شود که شورا دید بازتر و بهتری نسبت به مسائل داشته باشد و در ابلاغ این تصمیم بتوانند موثرتر گام بردارند. به این ترتیب که حوزه کارشناسی نقاط ضعف و قوت، شرایط بازار و راهکارهای مناسب را اعلام می کند و گروه قانون گذار با توجه به تجربه خود می تواند شرایط بهتری را اعمال و تصمیمات درست تری را ابلاغ کند؛ این در حالی است که در شرایط فعلی سهم این ذی نفعان به یک اندازه نیست و برخی بیش از اندازه پررنگ هستند و برخی دیگر نقشی ندارند. لایه دوم واحدهای تنظیم گر هستند؛ واحدهایی همچون شرکت ملی پتروشیمی و وزارت صنعت که تنظیم گری بازارها به عهده آنها است و با استفاده از تجربه و شناخت خود از بازارها سعی در به وجود آوردن بستری مناسب برای انجام فعالیت ها دارند. نهادهای رگولاتوری باید بتوانند با در نظر گرفتن جوانب موضوع بهترین تصمیم را بگیرند. لایه سوم شورای رقابت است که به عنوان نهادی شبه قضایی تصمیم هایی را که واحدهای رگولاتور با استفاده از نظرات تصمیم ساز گرفته اند، ابلاغ می کند. به نوعی این شورا با سازوکار حاکمیتی، تصمیم های نهادهای تنظیم گر را ابلاغ کرده و همچون اهرمی حمایت گر راه را برای تصمیمات آنها باز می کند.

در شرایط فعلی به نظر می رسد در مقاطعی از زمان و درخصوص برخی تصمیمات میز کارشناسی و تصمیم گیری بیش از اندازه به یکدیگر نزدیک شده اند و بدون در نظر گرفتن برخی از نظرات واحدهای رگولاتور تصمیماتی را ابلاغ می کنند. اگر از زاویه ای دیگر این مساله را مورد بررسی قرار دهیم و شرایط فعلی عملکرد این شورا را در صنعت پتروشیمی مورد ارزیابی قرار دهیم، می بینیم که در این مجموعه، بخشی به نام تنظیم گر یا رگولاتور تعریف کرده ایم که این تنظیم گر همان دولت است که البته وظیفه خود را به برخی از نهادهای دولتی مثل شرکت ملی پتروشیمی (به عنوان تنظیم گر صنعت پتروشیمی) و وزارت صنعت (به عنوان تنظیم گر بخش پایین دست این صنعت) تفویض کرده است. این دو نهاد به عنوان دو واحد رگولاتور باید تصمیم گیری کنند و شورای رقابت آن را ابلاغ کند. اما این در حالی است که در شرایط فعلی شاهدیم این اتفاق نیفتاده است. به این ترتیب که این شورا درخصوص برخی مسائل با کمک کارشناسان تصمیم می گیرد و نقش نهادهای تنظیم گر نادیده گرفته می شود. به طور مثال سهم نماینده شرکت ملی پتروشیمی در شورای رقابت صفر است که این امر بیانگر این موضوع است که این نهادها نمی توانند آن طور که باید و شاید تاثیرگذار باشند. حال شاید این سوال پیش بیاید که اگر قرار بود دو نهاد تنظیم گر همچون وزارت صنعت یا شرکت ملی پتروشیمی تصمیم بگیرند، نیاز به وجود شورای رقابت در بازار از چه جهت ضروری است؟

به طور مثال شرایطی را در نظر بگیرید که در مورد موضوعی مشخص و مرتبط با صنعت این دو نهاد با یکدیگر اختلاف نظر دارند و هر کدام جهت گیری خاص خود را با صلاحدید خود گزارش می کنند. در این میان شورای رقابت به عنوان نهادی میانه باید وارد بازی شده و با توجه به تجربیات اعضا و تحلیل های ذی ربطان تصمیم ساز و بر مبنای سیاست های کلان تصمیمی را در خصوص آن مورد خاص گرفته و ابلاغ کنند. یا به طور مثال تصمیم این دو نهاد رگولاتور در مورد موضوعی مشابه با یکدیگر است اما بررسی های شورا نشانگر مشکلاتی در خصوص تصمیمات است. به این ترتیب که به طور مثال شورا در خصوص این تصمیم در کلان برنامه ها (برنامه پنجم یا برنامه ششم) تناقضی را پیدا کرده که این تصمیم را ابلاغ نمی کند و برای موضوع با توجه به تجربه و علم خود تصمیمی را گرفته و ابلاغ می کند که البته احتمال وقوع چنین اتفاقی ضعیف است. به این ترتیب می توان گفت در خصوص سر و سامان دادن به بازار محصولات پتروشیمی به ۳ میز نیازمندیم:

(۱) میز تصمیم ساز که همه ذی نفعان بتوانند در بستری نظرات خود را ارائه دهند و به نوعی تضارب آرا به وجود آید. به طور مثال تشکل ها، انجمن ها، جامعه نخبگان و رسانه ها (افرادی که چیزی در حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از وزن کار به عهده آنهاست) در خصوص موردی مشخص دور یکدیگر جمع شوند و تحلیل همه مورد بررسی قرار بگیرد.

(۲) میز تنظیم گران: میزی که نهادهایی همچون وزارت صنعت و پتروشیمی ها باید دور آن گرد هم آیند و با استفاده از بازخورد میز تصمیم ساز، تصمیم گیری کنند نه بر اساس منافع و علایق شخصی.

(۳) میز ابلاغ کننده و نهاد ناظر: این میز هم باید تصمیمات را بر مبنای کلان برنامه ها ابلاغ کرده و با توجه به نظام حاکمیتی شورایی خود همچون اهرمی حمایتی پشت تصمیم تنظیم گران قرار بگیرد و شرایط مناسب تری را در بازارها برای انجام معاملات مهیا کند.

افزایش قیمت های پایه محصولات پتروشیمی

به نقل از روزنامه دنیای اقتصاد: قیمت های پایه محصولات پتروشیمی برای عرضه هفتگی در بورس کالا با افزایش نرخ همراه شد و هر دو گروه پلیمری و شیمیایی این رشد قیمتی را تجربه کردند هر چند که افزایش بهای پلیمرها ناچیز بوده ولی محصولات شیمیایی رشد قیمت های بیشتری را تجربه کردند. قیمت های موجود تا پایان روز یکشنبه هفته آینده در بورس کالا قابل استناد خواهد بود.

رشد ۱۶/۰ درصدی بهای دلار در نرخ های مورد محاسبه موجب شد بخشی از این افزایش قیمت ها این گونه تامین شود. نگاهی به قیمت محصولات پتروشیمی مخصوصا پلیمرها نشان می دهد اغلب رشد قیمت ها کمتر از یک درصد بوده که نشانه ای از ثبات

نسبی در بازارهای جهانی است. در بازار محصولات شیمیایی رشد قیمت‌ها شتاب بیشتری را تجربه کرد تا جایی که آمونیاک با رشد قیمتی ۷ درصدی صدرنشین این بازار بود. افزایش بهای نفت خام و برخی مواد اولیه صنایع پتروشیمی و مخصوصاً نزدیکی به روزهای پایان فصل و فرارسیدن زمان برای افزایش تقاضای کود اوره را می‌توان دلیل اصلی افزایش بهای آمونیاک و سایر محصولات پتروشیمیایی در این بازار به شمار آورد. رشد محدود و حتی ناچیز بهای بسیاری از پلیمرها نشان می‌دهد بازارهای جهانی در آرامشی نسبی به سر می‌برد اما رشد ۲/۶ درصدی PVC و افزایش نزدیک به ۷ درصدی بهای SBR را می‌توان از نکات مهم در لیست قیمت‌های پایه اعلامی به شمار آورد. پلی‌اتیلن ترفتالات نساجی تنها پلیمری بود که کاهش قیمت پایه را تجربه کرد.

به گزارش «پایگاه خبری بورس کالای ایران»، بیشترین افزایش قیمت در گروه محصولات پلیمری، متعلق به استایرن بوتادین رابرهای تیره و روشن به ترتیب با ۶/۹ و ۶/۴ درصد رشد است. این کالاها نسبت به هفته قبل ۳۱۴ تومان گران شدند. در رتبه دوم بیشترین افزایش قیمت‌ها، پی‌وی‌سی‌ها با ۲/۶ درصد رشد نسبت به هفته قبل قرار دارند، به طوری که گرید ۵۷ به میزان ۹۵ تومان، گرید ۶۰ به میزان ۹۳ تومان و گرید ۶۵ و ۷۰ نیز به ترتیب ۸۶ و ۹۷ تومان نسبت به هفته قبل گران شدند. همچنین در رتبه بعدی، پلی‌اتیلن سنگین بادی با ۱/۱ درصد رشد قیمت نسبت به هفته قبل قرار دارد، این کالا از ۳ هزار و ۸۵۴ تومان به ۳ هزار و ۹۰۳ تومان رسیده است. همچنین در گروه پلی‌اتیلن‌ها، پلی‌اتیلن سبک فیلم، خطی، پلی‌اتیلن سنگین فیلم و اکستروژن، سنگین تزریقی و دورانی نیز روندی افزایشی داشته و نسبت به هفته قبل گران شدند. پلی‌پروپیلن‌های شیمیایی و نساجی نیز با ۰/۱۶ درصد رشد قیمت نسبت به هفته گذشته به ترتیب به رقم ۴ هزار و ۳۲۸ و ۳ هزار و ۸۱۴ تومان رسیدند.

واقعی شدن قیمت‌ها و رضایتمندی کشاورزان با عرضه گندم در بورس کالا

به نقل از روزنامه دنیای اقتصاد: طرح قیمت تضمینی گندم در حالی به صورت آزمایشی در بستر بورس کالای ایران به اجرا درآمده است که کشاورزان سال‌هاست از دیرکرد پرداخت مطالباتشان از سوی دولت به دلیل اجرای سیاست خرید تضمینی گله‌مند هستند. این در حالی است که با اجرای طرح قیمت تضمینی در بورس کالا، دوسوم پول کشاورزان در سریع‌ترین زمان ممکن به حساب آنها واریز می‌شود و دولت تنها موظف به واریز مابه‌التفاوت قیمت کشف‌شده در بورس با قیمت تضمینی اعلامی است. با این راهکار ضمن اینکه مشکل نقدینگی کشاورز سریع‌تر مرتفع می‌شود، بار مالی دولت از بابت پرداخت مبالغ مربوط به خرید گندم نیز کاهش می‌یابد.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، محمود حسینی پور، کارشناس بازارهای کالایی در خصوص اجرای سیاست قیمت تضمینی در بورس کالا و مزایای آن برای بخش کشاورزی گفت: اجرای این سیاست مزایای زیادی دارد؛ اول اینکه نیاز بخش‌های مختلف مشخص می‌شود به چه میزان است، زیرا در بورس کالا آمارهای کاملی از عرضه‌کننده و متقاضی خرید به صورت شفاف در سامانه معاملات درج می‌شود. وی ادامه داد: دسترسی به این آمارهای دقیق در حوزه تولید محصولات کشاورزی برای سال‌های آینده اثرگذار بوده و می‌تواند برای برنامه‌ریزی و مدیریت بازار و نیز کاهش هزینه‌های مرتبط با حمل و ترابری محصولات مورد استفاده قرار گیرد. حسینی پور از مزایای دیگر اجرای این طرح گفت: از سوی دیگر عرضه در بورس کالا مانع از دپوی محصولات کشاورزی در انبارها شده و از فساد آنها جلوگیری می‌کند، زیرا با عرضه در بورس کالا محصولات سریع‌تر به دست مصرف‌کننده می‌رسد و می‌توان نسبت به میزان تقاضا و نحوه نگهداری و رعایت استانداردها و بهداشت آن اطلاعات دقیق‌تری داشت.

این تحلیلگر بازار بورس کالا تاکید کرد: در سیاست خرید تضمینی دولت متعهد به پرداخت صد درصد پول کشاورزان بود که تسویه آن گاهی ماه‌ها و حتی چندین سال به طول می‌انجامید؛ حال آنکه یکی دیگر از ویژگی‌های طرح قیمت تضمینی این است که دولت تنها پرداخت حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد پول کشاورزان را متعهد است و عمده آن از طریق بورس کالا به دست کشاورز می‌رسد و به نظر می‌رسد دریافت حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد پول کشاورز در مدت کمتر از چهار روز، بهتر از دریافت کامل آن، ولی بعد از یک بازه طولانی است، زیرا موضوع مدیریت زمان و ارزش زمانی پول نیز حائز اهمیت بوده و وصول سریع آن رضایتمندی بیشتری را برای کشاورزان در پی دارد. وی با تاکید بر اینکه اجرای سیاست قیمت تضمینی ضمن ایجاد منفعت برای دولت و کشاورز، نفع ملی را برای اقتصاد کشور نیز به همراه می‌آورد و قیمت‌ها به سمت واقعی‌تر شدن حرکت می‌کند، گفت: در زمان برداشت محصول، قیمت‌ها کاهش می‌یابد و در زمان افزایش میزان تقاضا خریداران مجبور به خرید با قیمت‌های بالاتر هستند. حسینی پور عرضه کلیه کالاهای کشاورزی در بورس کالا را در فرآوردی بهتر و سریع‌تر کالاها و رسیدن آنها به مصرف‌کننده واقعی موثر دانست و گفت: حذف هزینه‌های حمل و ترابری مضاعف در سیستم گندم به عرضه در بورس کالا کمک می‌کند. حسینی پور برقراری ارتباط با بورس‌های نواحی دیگر و کشورهای منطقه را در افزایش منافع فعالیت بورس کالا در بخش کشاورزی موثر دانست و عنوان کرد: کشورهای شمالی همچون قزاقستان که در همسایگی ایران قرار گرفته و تولیدکننده بزرگ گندم هستند و محصول خود را از جنوب ایران به دیگر نقاط صادر می‌کنند می‌توانند با همکاری بورس کالا نیاز بخش‌های شمالی کشور را تامین کرده و در مقابل گندم برداشت شده از مناطق جنوبی ایران را به صادرات خود اختصاص دهند؛ به طوری که در این روش هزینه حمل به شدت کاهش می‌یابد.

وی با بیان اینکه تجربه راه‌اندازی و توسعه بورس‌های کالایی در حوزه کشاورزی در کشورهای پیشرفته دنیا موفق بوده است، تاکید کرد: در کشورهای پیشرفته بورس کالاهای کشاورزی زودتر از سایر بورس‌ها ایجاد شده و معاملات آتی در آنها به اجرا درآمده است؛ در حال حاضر این فرآیند می‌تواند با سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران از طریق معاملات آتی و سلف نوسانات قیمتی را به حداقل ممکن برساند. حسینی پور وجود ابزارهای نوین مالی در بورس کالا را موجب فعال شدن تجار ایرانی و شکوفا شدن اقتصاد کشور دانست و در خصوص مزایای این بازار برای بخش کشاورزی گفت: با ابزارهای مالی نوین همچون گندم مصرف‌کننده می‌تواند برای ماه‌های بعدی گندم مورد نیاز خود را خریداری کرده و ریسک احتمالی ناشی از نوسان قیمت‌ها را

کاهش دهد. حسینی پور در پایان تاکید کرد: با کاهش نوسانات شدید، انبارداران و سرمایه‌گذاران نیز وارد بورس می‌شوند به طوری که به جریان افتادن سرمایه‌ها در بورس و بخش مولد اقتصادی، نرخ بهره بازار را تحت تاثیر خود قرار داده و به مدیریت نرخ بهره و تورم در کشور کمک بسزایی خواهد کرد، زیرا معاملات آتی در تعیین نرخ بهره بازار نیز اثر دارد و این ابزارها به‌عنوان ابزارهایی ضد تورم و همچنین ضد رکود می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

امروز؛ نخستین عرضه آرد بخش خصوصی در بورس کالا

به نقل از روزنامه دنیای اقتصاد: پس از ورود گندم به بورس کالا در قالب اجرای ماده ۳۳ قانون افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی، این بار کارخانه‌های آردسازی نیز به مکانیزم عرضه و تقاضا پاسخ مثبت داده‌اند. به گزارش «پایگاه خبری بورس کالای ایران»، بر این اساس نخستین کارخانه آردسازی عرضه یک هزار تن از چهار نوع محصولات خود را روز دوشنبه در تالار کشاورزی بورس کالا استارت خواهد زد. دکتر حسین یزدجردی، رئیس هیات مدیره کانون انجمن‌های صنفی صنایع آرد ایران در گفت‌وگو با پایگاه خبری بورس کالای ایران با اشاره به عرضه آرد در بورس کالا عنوان کرد: تولید آرد به گندم وابسته است و عرضه گندم در بورس کالا می‌تواند زمینه‌ساز حضور آردسازان و شکل‌گیری بازار آزاد برای این دو محصول شود. به اعتقاد من اگر بازار آزاد داشته باشیم می‌توانیم بسیاری از کاستی‌های موجود را به مرور رفع کنیم و بورس به‌عنوان مهم‌ترین ابزار شکل‌گیری بازار آزاد نقشی تعیین‌کننده خواهد داشت. وی افزود: بنابراین در این زمینه پیش‌قدم شدیم و تصمیم گرفتیم بورس‌گریز نباشیم. شاید عرضه آرد در بورس کالا در شرایط کنونی و در بازاری که در آن انحصار حکمفرمایی می‌کند و مردم به روش‌های قدیمی عادت کرده‌اند، خریدار چندانی نداشته باشد، اما بالاخره باید از یک جایی شروع شود؛ ممکن است در ابتدا چندان موفق نباشد اما مطمئناً طی بلندمدت این روند خود را نشان خواهد داد.

به گفته یزدجردی در حال حاضر ۳۵۰ کارخانه آردسازی در کشور فعالیت می‌کنند و تمام آنها عضو کانون انجمن‌های صنفی صنایع آرد کشور هستند و یک کارخانه با عرضه محصولات خود در بورس کالا سعی دارد که توجه بقیه تولیدکنندگان را نیز به این بازار شفاف و قانونمند جلب کند. این تولیدکننده آرد با اشاره به اینکه کارشناسان و مدیران بورس طی بازدید از کارخانه مذکور محصولات این کارخانه را بسیار با کیفیت دانستند، اظهار کرد: در حال حاضر این کارخانه دارای مجهزترین ماشین‌آلات است. در حال حاضر نیز مراحل پذیرش در بورس کالا انجام شده و روز دوشنبه این محصول روی تابلوی بورس کالا خواهد رفت؛ امیدواریم نخستین عرضه با استقبال مواجه شود، اما اگر هم این اتفاق نیفتاد چندان نگرانی نخواهیم داشت چون به اینکه بورس

ابزاری کارآمد است و در آینده موجب موفقیت ما خواهد شد اطمینان داریم. رئیس هیات مدیره انجمن‌های صنفی صنایع آرد ایران درباره اینکه سایر آردسازان چه زمانی به بورس کالا می‌آیند گفت: طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده پس از اینکه عرضه‌های شرکت تابان با موفقیت انجام شد، کارخانه‌های دیگر نیز اضافه خواهند شد. از آنجا که تقریباً تمام کارخانه‌های آردسازی به سیستم قدیمی فروش عادت دارند، باید مزیت در بورس کالا را ببینند و زمانی که به بازار آزاد در کشور دست پیدا کنیم، بورس قطعاً ابزاری خواهد بود که همه به آن نیاز خواهند داشت. یزدجردی با اشاره به مزیت‌های عرضه آرد در بورس کالا تصریح کرد: بورس کالا به‌عنوان ابزاری قانونمند و شفاف، کیفیت و مشخصات آرد را در اطلاعیه‌های عرضه به خریدار اعلام می‌کند و از آنجا که بورس کالا، تضامین لازم را از عرضه‌کننده اخذ کرده است در صورتی که کیفیت کالا با آنچه که اعلام شده تفاوت داشته باشد دریافت غرامت شامل خریدار خواهد شد، بنابراین خیال خریدار از بابت کیفیت راحت خواهد بود. از سوی دیگر وقتی ۱۰ کارخانه آردسازی محصول خود را در بورس عرضه کنند محصولی فروش خواهد رفت که هم کیفیت بهتر و هم قیمت مناسب‌تری دارد، بنابراین با تعدد عرضه‌کنندگان کشف قیمت در بورس کالا نیز عادلانه‌تر خواهد بود. وی خاطرنشان کرد: شاید اکنون بسیاری از آردسازان مزیت عرضه در بورس را احساس نکنند، اما مسلماً در آینده شاهد استقبال هرچه بیشتر از بورس کالا خواهیم بود.

تغییر نام بزرگ‌ترین تشکل سنگ‌آهن کشور

به نقل از روزنامه دنیای اقتصاد: مجامع عمومی فوق‌العاده و عادی به‌طور فوق‌العاده انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان سنگ‌آهن ایران روز شنبه در محل اتاق بازرگانی ایران با مشارکت گسترده اعضای انجمن برگزار شد. مهم‌ترین مصوبه‌های مجمع فوق‌العاده انجمن، تغییر نام انجمن به انجمن سنگ‌آهن ایران و پذیرفتن شرکت‌های دارای پروانه بهره‌برداری کارخانه‌های فرآوری سنگ‌آهن به عضویت انجمن بود. همچنین براساس دستور کار مجمع عادی به‌طور فوق‌العاده، انتخابات هیات‌مدیره جدید انجمن برگزار شد و به ترتیب آرا مهرداد اکبریان، علی صفریان، محسن یزدانی‌راد، محمدجواد عسگری باقرآبادی، قدیر قیافه و فرزانه معصومی به‌عنوان هیات‌مدیره جدید انجمن سنگ‌آهن ایران انتخاب شدند. همچنین امیر مسعود شهریاری به‌عنوان علی‌البدل اول و سید بهادر احرامیان علی‌البدل دوم برگزیده شدند. همچنین پس از رای‌گیری از اعضای حاضر، سیدافشین حسینی به مدت یک سال در سمت بازرس انجمن ابقا شد.